

Vulnerability of the Humanist-Liberal Legal System in Controlling the Crime Crisis Caused by the COVID-19 Pandemic

Mahdi Khaghani Esfahani*

Abstract

With the emergence of global crises and threats, the need to rethink and reformulate the groundbreaking achievements of the humanities, especially transcendental and divine readings, becomes apparent in many ways. Consequences of natural disasters and infectious diseases such as Covid-19 on social life and human needs have given rise to a rethinking of Western philosophical foundations and their implications for realms such as modern Western law. Critical approach to the position and function of the technical and experimental sciences - which derives from Western modernity and is based on the principles of humanist philosophy and crystallized in the fields of Western humanities - is the task of the critical humanities. Citizens' biological and psychological security rights are the responsibility of governments, and the modern Western legal system was challenged by Corona based on the philosophy of humanism and the consequences of an autonomous legal system based on independent legal norms in support of spirituality and law. The values of the liberal-democratic legal system, including the states' commitment to freedom and the maximum rights of citizens, were distorted, and the manifestations of securityism, restriction of public freedoms, and legal populism in the West revealed the hidden identity of the Western political-legal system. This article, in a descriptive-analytical studies, after describing some manifestations of the violation of liberalism in the

* Assistant Professor of Criminal Law and Criminology, The Institute for Research and Development in the Humanities (SAMT), Tehran, Iran, khaghani1984@gmail.com

Date received: 30/07/2021, Date of acceptance: 01/11/2021

Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

legal strategy of Western countries in curbing delinquency and victimization due to changes in crime style in life in the condition of corona pandemic, explores the hypothesis that the legal shortcomings of some Western countries in managing the challenge Corona delinquency stems from the domination of utilitarian liberalism over the Western humanities, and the condition for overcoming the current state of the humanities in the Third World is to examine the shortcomings of the Western humanities and to promote intercultural understanding.

Keywords: Humanist, criminal law, legal modernism, Western criminal policy, criminality, pandemy.



آسیب‌پذیری نظام حقوقی اومانیزم - لیبرال در مهار بحران بزه‌کاری ناشی از پاندمی کووید-۱۹

مهدی خاقانی اصفهانی*

چکیده

با پیدایی بحران‌ها و تهدیدهای جهانی، ضرورت بازاندیشی و بازصورت‌بندی دستاوردهای راهگشای علوم انسانی به‌ویژه خوانش‌های استعلایی و الهی، از جهات گوناگونی آشکار می‌شود. پیامدسنجی بلایای طبیعی و بیماری‌های واگیری همچون کووید-۱۹ بر زندگی اجتماعی و نیازهای انسانی، زمینه تأمل دوباره بر مبانی فلسفی غرب و پیامدهای آن بر قلمروهایی مانند حقوق مدرن غربی را فراهم نموده است. رویکرد نقادانه به جایگاه و عملکرد علوم تکنیکی و تجربی - که برآمده از مدرنیته غربی و مبتنی بر اصول فلسفه اومانیزم و متبلور در ساحت‌های علوم انسانی غربی است - وظیفه علوم انسانی انتقادی است. حقوق امنیت زیستی و روانی شهروندان، تکلیف دولت‌هاست و نظام حقوقی مدرن غربی، بر پایه فلسفه اومانیزم و تبعات نظام حقوقی خودمدار و حق‌بنیاد فارغ از هنجارگذاری حقوقی در حمایت از معنویت و شریعت، توسط کرونا به چالش کشیده شد. این مقاله، به روش توصیفی-تحلیلی، پس از توصیف برخی جلوه‌های نقض لیبرالیسم در راهبرد حقوقی کشورهای غربی در مهار بزه‌کاری و بزه‌دیدگی ناشی از تغییر سبک جرایم در زندگی کرونایی، این فرضیه را می‌کاود که نارسایی‌های حقوقی برخی کشورهای غربی در مدیریت چالش بزه‌کاری در عصر کرونا ناشی از حاکمیت لیبرالیسم منفعت‌گرا بر

* استادیار حقوق جزا و جرم‌شناسی، پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی (سمت)، تهران، ایران،
khaghani1984@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۵/۰۸، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۸/۱۰

علوم انسانی غربی است و شرط غلبه بر وضعیت فعلی علوم انسانی در جهان سوم، تفتن در کاستی‌های علوم انسانی غربی و ارتقای فهم میان‌فرهنگی است.

کلیدواژه‌ها: حقوق کیفری اومانیست، نقد مدرنیسم حقوقی، سیاست جنایی غربی، بزه‌کاری در پاندمی.

۱. مقدمه

گذار بحران کرونا از وضعیت فقط ویروسی به وضعیت نمادین اجتماعی-فلسفی، همه ساحت‌های جهان‌زیست انسان مدرن و شبه‌مدرن را متاثر نموده، جامعه تجددزده و نمادها و آیین‌ها و فرهنگ شهری شده/عرفی شده‌ی مبتنی بر منفعت‌گرایی را به چالش کشیده است. کرونا آزمون سهمگینی در برابر حقانیت، ضرورت و بایستگی علوم انسانی پدید آورده و ارزش‌های مادی منظومه معرفتی چیرگی علم بر اخلاق و معنویت را به بوت‌نقد کشانده است.

از منظر مبانی معرفت‌شناختی، پاندمی کووید-۱۹ یک‌تنه بنیان‌های شناخت‌شناسانه و شالوده‌های زیرساخت نظم حقوقی اومانیستی غرب را از جهات متعددی از جمله مرگ‌اندیشی و نادرستی فلسفه حقوقی مادی‌گرا و منفعت‌مدار را به بوت‌نقد کشید؛ چه، بازگشت و احیای معنویت در سایه بحران کرونا موجب بازاندیشی در دوگانه‌ی حق و تکلیف و رابطه انسان با خدا و اهمیت معنویت‌گرایی و تناقض‌های لذتجویی این جهانی شد. معنابخشی به رنج زندگی از گذر تعالی درک دینی، زمینه گسترش سطح و عمق نقدها علیه پارادایم سوژه‌گی انسان مدرن و مبانی اومانیسم رسوخ‌یافته به تمام عرصه‌های علوم انسانی از جمله حقوق در مغرب‌زمین را فراهم نمود و غایت‌مندی زندگی انسان را با اثبات کرد و وادادگی انسان معاصر در غربت غربی و تنهایی او در بلیه‌ای چون کووید-۱۹ را به‌ویژه از رهگذر نقد نظام حقوقی برآمده از اومانیسم سکولار، به رخ کشید. کرونا، عقلانیت ابزاری فایده‌گرا را که در ساحت حقوق به شکل حق‌بنیاداندیشی و تکلیف‌ستیزی انسان در نظم حقوقی غربی نمود یافته است و اسیر صورت‌بندی فرهنگی و تمدنی عصر معاصر - نظام لیبرال‌دموکراسی کاپیتالیستی سکولاریزه - است در بُعد علت‌شناسی افزایش جرایم، خشونت خانگی، نافرمانی مدنی، قانون‌گریزی، و بازگشت به «وضع طبیعی هابزی» - که توجیهات ماکیاولیستی برای بازتولید سرکوب مدرن

افکار عمومی و مهندسی اجتماعی مردم در سیاست‌گذاری‌های مردم‌ستیز، سالمندستیز، اقلیت‌ستیز و نژادپرست دولتی‌هایی همچون دولت ترامپ، نقد کرد و بی‌اخلاقی‌های این پارادایم سیاسی را از مجرای ضعف‌ها و تناقضات حقوقی آن به تصویر کشید.

روند تحقق و نهادگی خودبنیاد بشر بر پایه تحولات ادراک ارزش‌ها و هنجارهای مبنای نظم زندگی اجتماعی - که «حقوق» متولی ساماندهی آن است - نه تنها ایدئالیسم استعلایی کانتی و ایدئالیسم هگلی را در قالب جریان‌های نوکانتی و سوسیالیستی تحول‌یافته‌ای هم‌چون مکتب فرانکفورت و زبان‌شناسی نوین منتقد چیرگی روابط قدرت بر حقیقت زبان به مثابه اندیشه تقویت کرد، بلکه در قلمروهای خاصتری همچون گرایش‌های دانش حقوق نیز منشأ نقد اثرگذاری مدرنیته‌ی فلسفی بر مدرنیته‌ی حقوقی نیز گشت و اینک پژوهش‌های فراوان و گفتمان‌های نوپدید معطوف به نقد سیاست‌های حقوقی دولت‌های غربی در رفتار با مردم در پاندمی کووید-۱۹ را خلق نموده است.

کرونا بازنگری رادیکال در برخی ساحت‌های سیاست‌گذاری را موجب شد. سیاست‌های حقوقی برخی کشورهای غربی در ادوار مختلف مهار کرونا، از این حیث که با توجیه قرنطینه سراسری موجب تشدید تسلط برخی دولت‌های غربی بر آزادی‌های اجتماعی و سوءاستفاده از این شرایط برای تهدید و تحدید حقوق انسانی اقلیت‌ها شد و سبب نقض حداقل‌های انسانی در رفتار با پناهجویان و حتی شهروندان غیراصیل (مهاجر) و ارائه‌ی گزینشی خدمات درمانی حیاتی و تشدید شکاف طبقاتی در جامعه سرمایه‌داری غرب و نقض حق سلامتی بسیاری از زندانیان و اعمال جرمه‌های مالی بی‌منا برای نقض قرنطینه در مواردی بعضاً موجه و فورس‌ماژور موجب شد، مورد نقد حقوقدانان واقع گشته است. تخصیص گزینشی خدمات پزشکی حیاتی با ملاک‌های مغایر با اخلاق پزشکی و حقوق بشر، نمونه کوچک و البته اسف‌باری از بازنگری رادیکال در برخی ساحت‌های سیاست‌گذاری را موجب شد و نبود بیمه اجتماعی و به‌ویژه بیمه بیکاری دهها میلیون آمریکایی نشان داد که نه ایالات متحده و نه اغلب کشورهای اروپای غربی و مرکزی، در عمل «دولت رفاه» نیستند و حتی علائمی از تمایل حاکمیتی به رهاسازی سالمندان مبتلابه کرونای حاد به منظور کاهش هزینه‌های خدمات بیمه دولتی دیده شد.

۲. نگرهای جرم‌شناسانه به تغییر امیال، اهداف و شیوه‌های بزه‌کاری، در پی همه‌گیری کووید-۱۹

از منظر جرم‌شناسی و بزه‌دیده‌شناسی اجتماعی، وجه ساختاریِ طرد اجتماعیِ همگان توسط دولت‌ها برای پیشگیری از انتشار ویروس کرونا، هم‌طردی اجتماعی تجربه‌نشده‌ای را پدید آورده که نه تنها موجب تضعیف حوزه عمومی شده، بلکه اعتماد اجتماعی را به جهت کاهش کنترل اجتماعی تضعیف نموده و مجال بسیار وسیعی به مجرمان مالی برای سرقت از مغازه‌های بسته، ماشین‌ها دائماً پارک در خیابان و کوچه، و دیگر اموال، حفاظت‌نشده داده و این جولان‌دهی بزهکارانه، ترس از بزه‌دیدگی مالی را به ترس از بزه‌دیدگی ناشی از افزایش کسالت‌بار تحمل اعضای خانواده در خانه‌های خود قرنطینه افزوده است. برخی گونه‌های بزهکاری - به‌ویژه جرایم ناشی از ازدحام خیابانی مانند کیف‌چاپی و نزاع دسته جمعی - در مقیاس جهانی کاهش چشمگیری یافته و در مقابل، سرقت از اماکن تجاری و اداری و جرایم علیه اموال دولت و قاچاق بین‌المللی کالا و انسان به دلیل بحران‌های اقتصادی وخیم ملت‌ها و کاهش نظارت بسیاری از کشورها بر مرزهای زمینی و آبی افزایش یافته و صور ارتکاب و الگوهای کنشگری مجرمانه‌ی بزهکاران نیز تغییرات قابل توجهی در انعطاف با تغییرات اجتماعی ناشی از بحران کرونا و حداکثر استفاده مجرمانه از قرنطینه گسترده جهانی داشته است.

در مطالعه تأثیر محدودیت سفر و تردد و فعالیت اقتصادی ناشی از کووید-۱۹ بر قاچاق انسان و مهاجران، باید به تأثیرات بالقوه شدید این پدیده بر استیفای حقوق انسانی قربانیان نیز توجه کرد. این تأثیرات شدید را می‌توان با سرمایه‌گذاری در ایجاد اشتغال و بهبود شرایط اقتصادی، هم در کشورهای توسعه‌یافته و هم در کشورهای در حال توسعه کاهش داد.

بسیاری از کشورها از سال گذشته دائماً به دفتر مبارزه با جرم و مواد مخدر سازمان ملل (UNODC) گزارش کرده‌اند که تروریست‌ها از فعالیت‌های سازمان‌یافته جنایی مانند قاچاق انسان، قاچاق مهاجران، آدم‌ربایی برای باج‌گیری و قاچاق مواد مخدر بهره‌مند می‌شوند. همه‌گیری کووید-۱۹ چالش‌ها و فرصت‌هایی را برای تروریست‌ها فراهم می‌کند. از یک طرف، تروریست‌ها در برابر ویروس کرونا مصون نیستند (Abrams, 2020: 1). تعطیلی، قرنطینه و سایر اقدامات فاصله‌گذاری اجتماعی و هم‌چنین

ترس از سرایت، جنبه‌های بسیاری از عملیات تروریستی، از حرکت عوامل داخلی و فرامرزی گرفته تا مالکیت وسایل نقلیه، اسلحه و تجهیزات را مهار خواهد کرد. از سوی دیگر، تروریست‌ها به دلیل ماهیت خود به‌عنوان یک دشمن نامتناسب، به‌سرعت سازگار می‌شوند و از شرایط عدم اطمینان و بی‌ثباتی برای پیشبرد اهداف خود بهره‌برداری می‌کنند. این همه‌گیری فرصت‌های متعددی را برای گسترش و انطباق فعالیت‌ها به تروریست‌ها ارائه می‌دهد. پاسخ‌های جامع و همکاری بیش از گذشته برای مقابله با این مورد لازم است. بحران کووید-۱۹ مجموعه جدیدی از چالش‌ها را برای سیاست‌جنایی کشورها ایجاد می‌کند، زیرا مجرمان به دنبال سوءاستفاده از آسیب‌پذیری‌های ایجادشده به دلیل قرنطینه‌ها و تغییر الگوهای سفر هستند.

دفتر مقابله با مواد مخدر و جرم سازمان ملل متحد توصیه می‌کند اقدامات معطوف به پاسخ‌گویی به کووید-۱۹ باید مستمراً رصد و پایش شوند. در مواقعی که این اقدامات به‌صورت غیر عامدانه بر گروه‌های آسیب‌پذیر از قبیل قربانیان قاچاق انسان تأثیر منفی می‌گذارند، لازم است اقدامات اصلاحی و ترمیمی مناسب برای تأمین نیازهای خاص این‌گونه گروه‌ها انجام گیرد؛ همچنان که دسترسی به عدالت باید تضمین گردد

<https://www.unodc.org/documents/data-and-analysis/covid/Covid-related-impact-on->
(SoM-TiP-web3.pdf)

در صورت امکان، استفاده از فناوری می‌تواند دسترسی به فرایندهای قضایی عادلانه را تسهیل نماید. از دیگر سو، مأموران انتظامی باید هشیار باشند و ضمن شناسایی الگوهای جدید و نوظهور جرم، اقدامات خود را با این الگوها سازگار کنند تا قاچاقچیان انسان نتوانند با استفاده از شرایط همه‌گیری بیماری کووید-۱۹، بدون مواجه شدن با تعقیب و مجازات، جرایم را در صورت نوین رکن مادی و شیوه‌های پیچیده ارتکاب، به نتیجه برسانند. زیرا با وجود پیش‌بینی کاهش رشد اقتصادی در پی شیوع کووید-۱۹ و فشار وارده بر بودجه، کشورها باید به حمایت از مبارزه با قاچاق انسان و کالاهای ممنوعه (اعضای بند انسان، مواد مخدر و روانگردان، اسلحه، نفایس ملی، دارو و...) ادامه دهند و تدابیر پیش‌گیری وضعی جهت سختی‌افزایی از ارتکاب این جرایم را در وضع کنونی و تا آینده‌ی نه‌چندان کوتاه‌مدت دوام شیوع کووید-۱۹ تطبیق دهند.

تقویت امنیت مرزها به‌ویژه با تجزیه و تحلیل اطلاعات مسافران پرواز، همچنین همراه با بهبود مدیریت زندان برای جلوگیری از تندروری و توسعه رویکردهای کل جامعه در مقابله با افراط‌گرایی شدید، تدابیر مناسبی برای بازتوانی سیاست جنایی کشورها در مهار تروریسم‌اند. در آینده چارچوب‌های قانونی ملی می‌توانند به‌روز شوند تا تعاریف دقیقی از تروریسم ارائه دهند. منابع بیشتر می‌تواند به سمت هماهنگی عدالت کیفری و ایجاد واحدهای تخصصی و همچنین با تمرکز بیشتر بر پلیس آگاهی و جمع‌آوری مدارک هدایت شود.

این واقعیت که تأمین مسیرهای مهاجرتی ایمن و متعارف برای مهاجرین و پناهندگان می‌تواند آثار کووید-۱۹ بر جرم، خشونت، بهره‌کشی و قاچاق انسان را خنثی سازد، یکی از عناصر کلیدی در برنامه‌های ترمیم اقتصادی و اجتماعی در گذار از بحران کووید-۱۹ است. قاچاق انسان نتیجه شکست نظام‌های اجتماعی و عدالت اقتصادی و سیاست جنایی کیفری در حمایت از آسیب‌پذیرترین اقشار و تضمین حقوق آنها در چارچوب قوانین ملی است. افراد آسیب‌پذیر نباید در شرایط اضطراری، متحمل مشقت و مجازات مضاعف گردند و این آموزه‌ی ارزشمند، همچنان در زمره اخلاقیاتی است که یارای تفوق بر فرمالیسم پوزیتیویستی حقوق کیفری کشورهای مبدأ و مقصد مهاجرت (خصوصاً کشورهای مبدأ که عموماً دارای حقوق کیفری سزاده و سیاست جنایی امنیت‌گرا و تمامیت‌خواه هستند) را نیافته است.

در نظام حقوقی غربی که فردگرا و مبتنی بر کمینگی تعهدات خانوادگی و عدم تکلیف اعضای خانواده به انجام هرگونه تعهداتی در قبال یکدیگر است، دوری اعضای خانواده از یکدیگر و تنها شدن آنها به جهت پیگیری از مبتلا کردن و مبتلا شدن، عدم بازگشت زندانیان آزاد شده به زندان و انجام بزهکاری‌های خشن، ناامنی، احتمال ورود بی‌رویه اتباع خارجه غیرمجاز از مبادی مرزی و تحت تأثیر قرارگرفتن مأمورین مبنی بر عدم برخورد و تماس با اتباع به دلیل شیوع بیماری، رشد افسارگریخته قیمت برخی کالاها و خدمات در سایه نبود نظارت مستمر و لطمه به زنجیره تأمین، همه و همه موجب تضعیف حوزه عمومی و رشد ترس از بزه‌دیدگی در بخش‌های وسیعی از اروپا و آمریکا - زیست‌بوم انسان فردگرا، لیبرال، حق‌بنیاد و تکلیف‌گریز است - شده است. در مجموع، پاندمی کووید-۱۹ موجب بحران سیاست جنایی - به‌ویژه در غرب - شده است و ممکن است این بحران منجر به

مشروعیت‌بخش مدل اقتدارگرای فراگیر سیاست جنایی شود که نتیجه آن، تحدید روزافزون آزادی‌های فردی و افزایش خودکامگی دولت‌های مدعی رعایت حداکثری حقوق بشر و آزادی‌های فردی خواهد بود.

۳. رشد جرائم با شیوع کرونا؛ مشکلات سیاست‌گذاری مهار در ایدئولوژی حقوقی لیبرال

نحوه مقابله هر حکومتی با این ویروس، بر اساس نوع جهان‌بینی و مبانی فکری مشخص آن نظام سیاسی بوده که به اقتضای خصوصیات جامعه خود، پاسخ متفاوتی به این بحران داده اند (اخوان و نعمتی، ۱۳۹۹: ۹۳). وانگهی، نحوه واکنش جامعه به جرم و کنترل اجتماعی جرم تا حدود زیادی مرتبط با مفاهیم و ایدئولوژی‌های سیاسی است و همواره تفکر نظام سیاسی حاکم (لیبرالیسم، محافظه‌کار، مساوات‌گرا، اقتدارگرای فراگیر، آنارشیزم، انتگرالیسم، فمینیسم و...) بر نحوه مقابله با جرم و کنترل آن و تعیین محدوده آزادی‌های فردی و قلمرو مداخلات حکومت تاثیر بسزایی دارد و اصولاً مبانی ایدئولوژیک در تعیین مسیر و نحوه اقدام حقوق کیفری جهت‌دهنده و تعیین‌کننده بوده و در تضییق و توسیع قلمرو حقوق کیفری موثر می‌باشد. (سلطانفر و همکاران، ۱۳۹۶: ۹۳).

طبق یکی از مناسب‌ترین تعریف‌ها از ایدئولوژی حقوقی، این نوع ایدئولوژی عبارت است از «چارچوب نظری که محتوای آن را، مجموعه‌ای از گزاره‌ها، ایده‌ها و رویکردهایی درباره حقوق شکل می‌دهد؛ این محتوا دارای پایه‌ای عقلی (عقل متافیزیکی یا عقل تجربی) و روشی علمی (علم قیاسی یا علم استقرایی) است و طرح نظم اجتماعی - حقوقی متفاوت را دنبال می‌کند و بر سه رکن مبنا، منبع و هدف قاعده حقوقی تأثیر مستقیم دارد. همچنین ایدئولوژی، بر موضوعاتی چون شیوه حل مسئله حقوقی، تفسیر قاعده حقوقی، استدلال قضایی، نحوه پیشگیری از وقوع جرم و طرق جبران خسارت تأثیرگذار است. ایدئولوژی حاکم بر استدلال حقوقی، از طریق مبنای ایدئولوژیک اعتبار قاعده حقوقی اعم از اراده الهی، وجدان عمومی، اراده دولت و... بر منبع قاعده حقوقی و به این ترتیب، بر چگونگی و نوع استدلال حقوقی تأثیرگذار است و کثرت ایدئولوژی‌ها کثرت مبنای اعتبار قاعده حقوقی و کثرت استدلال حقوقی را در پی داشته است (آرایی و همکاران، ۱۳۹۸: ۵۷۷). در این راستا، سیاست جنایی همانا جزء و تابع سیاست‌گذاری

حقوقی است. سیاست جنایی در رویکرد فرانوگرایانه همانا تلفیقی از سیاستگذاری عمومی و سیاست جنایی است که بر اساس داده‌های نوین دانش بشری در پی پیشگیری و مدیریت وقایع زیان‌بار برمی‌آید تا از طریق اصلاح روش‌ها و حذف عوامل مؤثر از وقوع پدیده‌های اجتماعی که ظرفیت تبدیل به پدیده جنایی را دارد، جلوگیری نماید (شاملو، ۱۳۹۹: ۱۱۹). در موضوع سلامت و بهداشت عمومی نیز سیاستگذاری‌های اشتباه یا عدم سیاست‌گذاری بهینه و یا عدم نظارت کافی بر عملکردها، حتی در یک سرزمین خاص و دورافتاده، منجر به یک دغدغه و حتی بحران جهانی و امنیت‌برانداز مثل شیوع ویروس کووید-۱۹ گردید.

وقوع بحران‌های اجتماعی با خسارات انسانی و اجتماعی فراوان مثل سیل، طوفان، تغییرات آب و هوایی، آتش‌سوزی و به ویژه ظهور اپیدمی‌های مرگ‌آور مثل کووید-۱۹ که به تعبیر یورگن هابرماس - فیلسوف شهیر آلمانی و مبدع نظریه «خرد ارتباطی» در مکتب فرانکفورت - «جهل انسان را بر او نمایان ساخت»

(<https://www.fr.de/kultur/gesellschaft/juergen-habermas-coronavirus-krise-covid19->

[interview13642491.html](https://www.fr.de/kultur/gesellschaft/juergen-habermas-coronavirus-krise-covid19-interview13642491.html)). هشدار جدی بر نظام اخلاقی و نظام اجتماعی و منطق علمی جامعه بشری محسوب می‌شود که تجدید نظر در روش‌ها، هدف‌ها و ابزارهای موجود در کشف و تحلیل پدیده‌های اجتماعی را اقتضا می‌کند. (Mangiarotti, S., and Others, 2020). وانگهی، مبانی نظری حاکم بر سیاست جنایی فرانوگرایانه و نظریه آشوب که لزوم شناخت کامل از کلیه وجوه و ابعاد هر پدیده اجتماعی را مورد تذکر قرار می‌دهد، نقدی جدی بر رویکردهای ریسک‌محوری که یقین‌آور نیستند، وارد می‌داند.

بر اساس تئوری بال پروانه (Butterfly Wings Theory) یا نظریه آشوب (Chaos Theory)، عملکرد نظام پزشکی دنیا و کلیه بازیگران عرصه سلامت و بهداشت فقط جزئی از یک سیاست کلان در حوزه‌های اجتماعی و عمومی است و توفیق یا عدم توفیق آن را بدون لحاظ جمیع عناصر در کلیه مؤلفه‌های مرتبط نمی‌توان به درستی بیان نمود. (شاملو، ۱۳۹۹: ۱۳۹).

با پاندمی کوید-۱۹ و چالش‌های پدیدآمده در زمینه تضمین حق سلامت و آزادی‌های بنیادین زندانیان، بازپروری بزهکاران، بازدارندگی و توان‌گیری کیفی، ضرورت شناسایی چاره برای کنارگذاری چالش‌ها و همچنین بازنگری سیاست جنایی اهمیت یافته است. از این رو، سیاستگذاران جنایی باید به شناسایی کیفی‌های فناورانه، سیاست‌های کیفی مناسب

با وضعیت‌های اضطراری و در واقع ایجاد زمینه‌های مناسب برای حفظ هدف‌های عدالت کیفری و زندان در رویارویی جوامع بشری با این واقعیت‌ها مبادرت ورزند. (نیازپور، ۱۳۹۹: ۲۷۷). در مقیاس وسیع‌تر از حد مشکلات مدیریت زندان، با گسترش پاندمی کووید-۱۹ و خطر گسترده سرایت آن، اجرای انواع مجازات با چالش‌های متعددی همراه شده است. مثلاً رکود اقتصادی برآمده از آن از مهم‌ترین چالش‌های پیش روی کیفر جزای نقدی است. به هر روی، شماری از محکومان به این مجازات، فعالیت اقتصادی و درآمد متعارف را از دست داده‌اند و در نتیجه پرداخت جزای نقدی برای آنان امکان‌ناپذیر شده است.

علاوه بر این، ویروس مذکور اجرای زندان را نیز با چالش روبه رو ساخته است؛ زیرا ضرورت اجرای تدابیر ناظر به فاصله‌گذاری اجتماعی و کاهش جمعیت در محیط‌هایی مانند زندان که در اجراشدن این کیفر نسبت به دسته‌ای از اقدام‌های مربوط به مهار این بیماری است بزهکاران از رهگذر استفاده از سایر مجازات‌ها یا اعطای مرخصی به زندانیان و در واقع ایجاد چالش در فرایند بازپروری مجرمان و بازدارندگی کیفری تأثیرگذار بوده است. برای پیشگیری از شیوع این بیماری سیاست رهاسازی بزهکاران به زندان‌افتاده، از طریق توسل بی‌رویه به تأسیسات ارفاقی کیفرزدایی و قضازدایی اتخاذ می‌شود؛ سیاستی جز به پیشگیری از شیوع کرونا در زندان‌ها، به هزار توی سیاست جنایی و وجوه متعدد و پیامدهای آن توجهی ندارد و نظم سیاست جنایی را قطعاً مختل می‌کند. تضعیف فراوان و فوری بازدارندگی کیفری و دفاع اجتماعی، تنها یکی از این چالش‌ها است.

با وجود کاهش رشد اقتصادی در پی شیوع کووید-۱۹ و فشار وارده بر بودجه، کشورها باید به حمایت از مبارزه با قاچاق انسان و کالاهای ممنوعه (اعضای بدن انسان، مواد مخدر و روان‌گردان، اسلحه، نفایس ملی، دارو و...) ادامه دهند و تدابیر پیشگیری وضعی جهت سختی‌افزایی از ارتکاب این جرایم را در وضع کنونی و تا آینده‌ی نه‌چندان کوتاه‌مدت دوام شیوع کووید-۱۹ تطبیق دهند. (خاقانی اصفهانی، ۱۳۹۹: ۶۲)

شدت بحران کرونا و بحران‌های مترتب بر آن - در رأس آنها، بحران فقر و بیکاری منجر به رشد انواع بزهکاری- در اروپا و آمریکا بسیار شدید است. این در حالی است که چین با اقتداری کم‌نظیر قادر شد تا شیوع این ویروس را تحت کنترل در آورد و میزان کارایی سیستم سیاسی خود را به رخ جهانیان بکشد. مدل چینی مدلی است که

دولت‌محور است و درست در مقابل لیبرال‌دموکراسی‌ها است که مبتنی بر نقش حداقلی دولت و محوریت آزادی‌های فردی هستند. تحولات اخیر حاکی از ناکارایی این مدل - لیبرال‌دموکراسی - در مواجهه با بزرگ‌ترین بحران نیم قرن اخیر است. اینکه کشورهای لیبرال یکی پس از دیگری در حال روی آوردن به دولت‌های اقتدارگراتر هستند نشان از پدیداری ضعف‌های شدید این نوع سیاست‌ورزی دارد. سیاست جهانی پساکرونا نقدهای جدی‌تر و ضربات مهلک‌تری بر اندیشه و ساختارهای نظم لیبرالی حاکم بر سیاست - و مترتب بر نظام حقوق کیفری پیرو رژیم سیاسی - وارد می‌آورد.

حال که قریب به اتفاق صاحب‌نظران علوم سیاسی بر این باور هستند که نظم جهانی جدیدی در حال شکل‌گیری است (ر.ک. به: ابراهیمی کیایی و پارسانیا، ۱۳۹۹) و نظم فلسفی نئولیبرالی نتوان از پاسخ به این بحران است و این پاندمی توانسته نقدهای بنیادینی به نظام سیاسی - فلسفی نئولیبرال وارد کند و به مثابه‌ی یک «رخداد»، شاخص‌های فلسفی و سیاسی نظام نئولیبرالیسم را با چالش اخلاقی و ناکارآمدی مواجه نماید، پیامدهای نظام سیاسی بر نظام حقوقی، موجب تسری مشکلات لیبرالیسم غربی بر کنترل مشکلات حقوقی آن‌ها گردیده است.

قرنطینه اجباری، اعمال محدودیت در تردد و کسب و کار و آموزش و معالجه‌ی اجباری در جوامع غربی توسط دولت‌های لیبرال، اقداماتی در تقابل با حقوق شهروندی دیگری مانند حق آزادی رفت و آمد، حفظ حریم خصوصی و ... قرار دارد. نظام‌های حکمرانی غربی - دولت‌ها، شهرداری‌ها و ... - با توجه به اولویت‌هایی که در وظایف خویش دارند، این تقابل و تضاد حقوق اجتماعی را با اتخاذ تدابیری متفاوت رفع می‌کنند. منتقدان لیبرالیسم، با طرح نظریاتی در خصوص شیوه‌ی اعمال حق بر بهداشت عمومی در شهرها با ملاحظه‌ی عدم پاسخگویی روش‌های برگرفته از مراعات حقوق شهروندی، تعارض‌های فلسفه سیاسی لیبرال در تنظیم حق بر سلامتی و سایر حقوق لیبرال شهروندی را برجسته ساخته‌اند و رشد فراوان جرایم ناشی از سوءاستفاده از سبک زندگی لیبرال را موردنقد و مناقشه علیه دولت‌ها قرار داده‌اند.

تحدید حق آگاهی و دسترسی به اطلاعات، دریافت ناکافی و ناعادلانه تجهیزات بهداشتی و درمانی و نقض سیستماتیک حق حیات و حق بر سلامت، تهدید امنیت اقتصادی، کرامت انسانی، آزادی و حریم شخصی شهروندان به واسطه فقدان مدیریت

دولت‌ها یا نقصان زیرساخت‌ها و کاستی در واکنش به موقع نسبت به پاندمی و هم‌چنین سوءاستفاده از اختیارات برخاسته از شرایط استثنایی، هر یک منجر به پیدایی و تشدید زمینه‌های رشد ارتکاب جرایمی همچون سوءاستفاده از اختیارات دولتی، سرقت از مغازه‌ها و شرکت‌های تعطیل‌شده، قاچاق انسان، جرایم پزشکی و... شده است. پژوهش‌های آسیب‌شناسانه (مانند: عباسی و همکاران، ۱۳۹۹) پیرامون چالش‌های حقوق بشر و شهروندی در شرایط خاص شیوع کرونا، مؤلفه‌های اقدام متناسب با شرایط ضروری، التزام به حاکمیت قانون، موقتی‌بودن راهکارها، رفع تبعیض و جلب مشارکت شهروندان در برنامه‌های ملی پیشگیری از کرونا، و برخی برنامه‌ها جهت کاهش نگرانی‌ها پیرامون تضييع مصادیق حقوق بشر در فرایند مواجهه با بحران کرونا را پیشنهاد کرده‌اند اما همچنان نرخ بزه‌کاری از آغاز پاندمی کووید-۱۹ بسیار زیاد و غیر قابل توجیه - از حیث تأثیر لیبرالیسم در اتخاذ و اجرای سیاست‌های ضعیف کنترل پاندمی و کنترل جرایم ناشی از پاندمی - است.

۴. پیامد ناسازگاری عقلانیت ابزاری بشر خودبنیاد با ارزش‌گرایی حقوق کیفری، بر رشد جرایم در پاندمی

مدرنیته دارای دو وجه اصلی است؛ «عقل ابزاری» که با موضوعاتی چون استفاده از علم و تکنولوژی برای کنترل اجتماعی به روش غیراخلاقی و غیردموکراتیک مرتبط است؛ و «عقل انتقادی / ارتباطی» که دربرگیرنده هنر و فلسفه و علوم اجتماعی پساپوزیتیویستی است و به طور کلی هر معرفتی که زیر چتر «اندیشه انتقادی» حضور دارد. اما «حکومت عقل» همان آزادی‌ای نبود که مدرنیته وعده‌اش را می‌داد. مدرنیته با سوییچ عقلانی ابزار خود را معرفی کرد، نه با جنبه‌های عقلانی ارزش‌ها که اخلاق و تعهد و مسئولیت را پیش می‌آورد (احمدی، ۱۳۸۷: ۳۲). ناقدان روشنگری به عینی‌گرایی، علم‌محوری و ایمان روشنگران به خرد همانا بسیار تاخته‌اند، اما نکته اینجاست که تمامی این ناقدان، خود از روشنگری، گوهری را به ارث برده‌اند: باور به اندیشه نقادانه.

بر خلاف عقلانیت ابزاری که متکی بر رابطه ذهن و عین است، عقلانیت ارتباطی مورد طرح توسط یورگن هابرماس - فیلسوف شهیر معاصر آلمانی - به عنوان مبنای نظریه اجتماعی انتقادی عرضه می‌شود. هابرماس در آثار اخیر خود اغلب «فلسفه آگاهی» را که

منتج از ذهن منفردی است که درباره جهان می‌اندیشد در مقابل مفهوم تعامل بین‌الذهانی قرار می‌دهد. چیزی که به نظر هابرماس در رویکردش به زبان و در تحلیلش از اصول کلی بیان ثابت می‌شود، اولویت کنش‌های معطوف به نیل به تفاهم در مقابل کنش‌های معطوف به کنترل یا دستکاری اشیاء و دیگر کارگزاران اجتماعی در جهان است. (هولاب، ۱۳۸۸: ۴۰)

مدرنیته، دو چیز را همپای یکدیگر به پیش برد: ایمان به سوژه (ذهن فاعل شناسا)، باور به خرد. هر دو ناتوانی خویش را نشان داده‌اند؛ نه عظمت انسانی باقی ماند و نه آن معجزات که به عقلش نسبت می‌دادند. به همین خاطر همه منتقدان مدرنیته از جمله نیچه، فوکو، هابرماس و پسامدرن‌ها، در صدد انکار سوژه‌باوری برآمدند و به نبرد با خردباوری مدرن پرداختند (نوذری، ۱۳۸۶: ۱۹). تئودور آدورنو و ماکس هورکهایمر - دو فیلسوف شهیر مکتب انتقادی فرانکفورت - در کتاب مشهور خود «دیالکتیک روشن‌گری» معتقدند این نکته نهفته است که خردباوری، «سرچشمه بحران‌های حاضر» است. این خردباوری که از رنسانس تا روشنگری شکل گرفت، نتایجی پیش‌بینی نشده به بار آورد که به جنبه ابزاری انجامید و سلامت تعامل بشر عقلانی را به محاق برد. به همین جهت بود که هربرت مارکوزه، مفهوم عقلانیت مورد نظر ماکس ویر را مفهومی صوری دانست که به عقلانیت صوری منجر شده است. هربرت مارکوزه در کتاب خود - «صنعت فرهنگ» - نابودی فرهنگ در پی حاکمیت مدرنیته بر این عرصه معرفتی را آشکار کرد.

همه‌گیری ویروس جهان‌گیر کرونا بیش از تزلزل نیست‌انگاران به بودن نظام معرفتی، ارزشی، نهادی و موقف معنایی - وجودی انسان غربی را آشکار ساخت و نشان داد انسان‌گرایی، اخلاق، نظم اجتماعی و حقوق بشر سکولار چگونه یکباره در تندباد همه‌گیری کرونا به تزلزل افتاد (رمضانی، ۱۳۹۹: ۱۷۴). موقف معنایی - وجودی انسان لیبرالیزه‌شده که در غربت غربی عقلانیت خودبنیاد ابزاری و نهاده و دورافتاده از شروق نور ایمان، دین و عقل قدسی مقام کرده است، موقف انسانی است که شاهد رنجوری نظام حقوقی غربی از مصائب مدرنیته‌ی لیبرال است.

دفتر اطلاعات و آمار وزارت کشور فرانسه با انتشار بیانیه‌ای در ۲۹/۱/۲۰۲۱ اعلام کرد که «شرایط ویژه و استثنایی» ناشی از همه‌گیری ویروس کرونا که دو بار سبب وضع مقررات قرنطینه عمومی و سایر محدودیت‌ها در سال ۲۰۲۰ شد موجب شده موارد تجاوزجنسی و خشونت خانگی تحت تاثیر شرایط کرونا برای سومین سال متوالی افزایش

داشته یابد. بر اساس این گزارش نرخ ارتکاب به تجاوز جنسی و خشونت خانگی در سال ۲۰۲۰ نسبت به سال قبل از آن به ترتیب ۱۱ و ۹ درصد افزایش نشان می‌دهد.

<https://per.euronews.com/2021/01/29/france-quarantine-has-increased-the-number-of->

(cases-of-rape-and-domestic-violence

در عصر کرونا مردم ترس و واهمه‌ای دارند از حضور در امکان عمومی مثل دادگاه‌ها یا کلانتری‌ها؛ چه بسا یکی از دلایل جلوه این کاهش نرخ درگیری‌ها، عقب‌رفت و عقب‌نشینی مردم بزه‌دیده‌ای باشد که به علت ترس از شرایط بهداشتی جامعه با وجود آن‌که مورد ضرب و شتم قرار گرفتند ترجیح دادند از شکایت صرف نظر کنند و به دادگستری مراجعه نکنند (محمد، ۲۰۲۰: ۹۱). بنابراین این عدم پیگیری مردم در مفهوم رقم سیاه جرم گنجانده می‌شود، یعنی جرمی که واقع شده، بزه‌کار و بزه‌دیده دارد اما به هر دلیل تعقیب نمی‌شود یا اگر شکایت صورت گیرد به نتیجه قضایی منتج نمی‌شود که در مفهوم رقم خاکستری جرم قرار می‌گیرد. افزایش خشونت علیه پرستاران و کودکان و سالمندان و اقلیت‌های تنها در قرنطینه‌های خانگی، در پرتو سیاست‌های لیبرال مبتنی بر عدم مداخله دولت در امور زندگی مردم و توصیه به آنها به ماندن در خانه رخ داده است؛ زیرا فردگرایی معطوف به تغییر سبک زندگی اجتماعی به فردی، افراد را به بزه‌دیدگان مناسب و کم‌دفاعی برای بزه‌کاران تبدیل می‌کند.

در نظام‌های سیاسی لیبرال که سیاست نظام سلامت در آنها برای مهار کرونا همانا مبتنی بر قرنطینه‌های خانگی و تشدید فردیت و تنهایی شهروندان است، با اعمال محدودیت‌های اجتماعی، الگوهای فعالیت روزمره را تغییر داده و ساختارهای فرصتی ایجاد کرده است که در اثر این تغییرات، تغییر در نرخ جرایم در کشورهای غربی رخ داده است. یافته‌های پژوهشگران (صفاری و همکاران، ۱۴۰۰) ضرورت آگاهی عمومی در مورد افزایش خطر انواع خشونت‌های خانگی، به‌ویژه کودک‌آزاری در دوره شیوع-بیماری، لزوم تقویت آموزش چگونگی پاسخگویی مؤثرتر و ایمن اورژانس اجتماعی به درخواست‌های خشونت خانگی، تشویق به گزارش انواع خشونت‌های خانگی، فراهم‌نمودن امکانات برای گزارش سریع‌تر خشونت خانگی و کودک‌آزاری، راه‌اندازی خدمات کمک اجتماعی برخط، ساخت برنامه‌های تلویزیونی شاد و افزایش اشکال جایگزین ناظرین توانمند در اجتماع را مورد تأکید قرار داده است.

خرده‌سیستم قانون با حمایت خرده‌سیستم سیاست و در رأس آنها دولت‌ها، در چهارچوب عملکردهای انتظام‌بخش مردم خود، در چارچوب اصل خودترمیمی و خودارجاعی، به ایجاد قوانین جدید و رویه‌هایی برای انطباق کنش‌ها با فضای حال و آینده پرداختند (شفیعی سیف‌آبادی و باقری دولت‌آبادی، ۱۳۹۹: ۶۹). کرونا چالش‌های جدی از جنس نابرابری، فرایندهای شغلی، دینی، آموزشی و علمی، مشکلات اجتماعی و تعامل انسانی و در رأس آنها بحران بزهکاری ایجاد نموده و اصرار نظام‌های سیاسی غربی بر تداوم مدل لیبرال و نه مدل رفاه یا حتی مدل کنشگری حداکثری دولت، موجب تشدید بحران‌های تبعی از جمله بحران وفور بزهکاری شده است.

۵. نتیجه‌گیری

پاندمی کووید-۱۹ با شتاب فزاینده‌ای در حال تغییر روابط اجتماعی و بالتبع ضرورت تحول‌بخشی به نظام حقوقی در سراسر جهان است. این همه‌گیری، پیامدهای منفی پنهان و پیدای نئولیبرالیسم طی دهه‌های مدیدی بر ساحت‌های سپهر زندگی بخش عظیمی از آدمیان را بازتاب داده است. بی‌شک، نحوه سیاست‌گذاری صحیح در این شرایط بحرانی می‌تواند به میزان چشمگیری از دامنه آسیب‌های فراگیر این بیماری از جمله بزهکاری کاهش دهد. نظام نئولیبرال به شیوه‌های گوناگونی از جمله ایجاد فشار اقتصادی متأثر از فقر و بیکاری بر اقشار مختلفی از جامعه، بر تشدید بحران بزهکاری در غرب - و هر نظام سیاسی لیبرال دیگری - آثار سوء به جا گذاشته است. الگوهای رفاه‌گرایانه با تأمین و تضمین امنیت زیست شهروندان به نحوی در پیشگیری از بزه‌دیدگی و بزهکاری شهروندان در شرایط فشار اقتصادی و آسیب‌های روانی ظرفیت بسزایی دارد. تغییر رویه سیاست‌گذاری اقتصادی دولت‌ها خود از نئولیبرال به سوی الگوی رفاه موجب تقویت حمایت و تأمین نیازهای اساسی و کاهش کزروی‌ها و جرایم - خصوصاً خشونت خانگی، قاچاق انسان، سرقت از اماکن تعطیل‌شده، خشونت علیه سالمندان و کودکان و عدم شکایت بخاطر محدودیت‌های اجتماعی - می‌گردد.

نارسایی‌های حقوقی برخی کشورهای غربی در مدیریت چالش بزهکاری در عصر کرونا ناشی از حاکمیت لیبرالیسم منفعت‌گرا بر علوم انسانی غربی است و شرط غلبه بر وضعیت فعلی علوم انسانی در جهان سوم، تفتن در کاستی‌های علوم انسانی غربی،

تلاش در راه مواجهه انتقادی و خلاقانه با آن و فارغ از ایدئولوژی‌های سیاسی، و جایگزینی خرد ارتباطی با خرد ابزاری و ارتقای فهم میان‌فرهنگی است. آینده‌پژوهانه باید توجه داشت که در پسا کرونا، تشدید عواطف و جنبش‌های ملی‌گرا و تحکیم نقش دولت در حکمرانی و اعاده حوزه سلامت و بهداشت عمومی به زمره امور حاکمیتی و دارای جنبه امنیت ملی، آینده‌ی پیش‌بینی‌پذیر است. محدود کردن گردش آزاد افراد و کالاها و سختی‌افزایی سیاست‌های مهاجرتی و پاسداشت مرزها از روند جهانی شدن، امکان تداوم مصرا نه نخواهد داشت و تعدیل خواهد گشت؛ این خود مستقیماً موجب توسیع مجال و فرصت بزه‌کاران به گسترش دامنه و شدت جرایم ارتكابی خود خواهد شد. نابرابری نظام‌مند و ترجیح تبعیض‌آمیز برخی از بشر بر برخی دیگر و تشدید احساس و واقعیت نقض حقوق بشر در ساختارهای اقتصادی و اجتماعی و تضعیف مراقبت‌های بهداشتی می‌تواند امنیت داخلی دولت‌ها را با چالش روبرو سازد. همچنین، ویروس کرونا ضربه جدی بر جهانی سازی اقتصادی که شیوع تهدیدات را تسریع می‌کند وارد ساخته و به ما یادآور می‌شود که سیاست‌های جهانی برخلاف آموزه‌های نئولیبرالیسم و دولت حداقلی باید اصلاح شود.

کتاب‌نامه

- ابراهیمی کیایی، هادی؛ پارسانیا، حمید (۱۳۹۹)، بحران کرونا و نقد فلسفه سیاسی نئولیبرالیسم، فصل‌نامه جستارهای سیاسی معاصر، دوره ۱۱، شماره ۴.
- احمدی، بابک (۱۳۸۷)، مدرنیته و اندیشه انتقادی، چاپ هفتم، نشر مرکز، تهران.
- اخوان، بهار، نعمتی، حمیدرضا (۱۳۹۹)، حقوق شهروندی و تقابل دو محور گفتمانی اسلام و غرب در بحران کرونا، پژوهشنامه حقوق بشری، سال ششم، شماره ۲ (پیاپی ۲۱).
- آرایی، حمید؛ شهابی، مهدی؛ دهباشی، مهدی (۱۳۹۸)، تأملی بر رابطه حقوق و ایدئولوژی و تأثیر آن بر کثرت استدلال حقوقی، فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی، دوره ۴۹، شماره ۴.
- السان، مصطفی (۱۳۹۹)، مسئولیت دولت در قبال بیماری‌های واگیر (بررسی موردی: کووید-۱۹)، فصلنامه تحقیقات حقوقی، ویژه‌نامه حقوق و کرونا.
- خاقانی اصفهانی، مهدی (۱۳۹۹)، تأثیر هم‌طردی اجتماعی در پاندمی کووید-۱۹ بر تضعیف حوزه عمومی و رشد ترس از بزه‌دیدگی، اولین همایش ملی خانواده و زنان در دوران کرونا، دانشگاه گیلان.

- رمضانی، حسین (۱۳۹۹)، وانهادگی انسان معاصر در غربت غربی و تنهایی او در بلیه‌ای چون کرونا، فصل‌نامه قیاسات، شماره ۹۶.
- سلطانفر، غلامرضا؛ شامبیاتی، هوشنگ؛ آزمایش، علی (۱۳۹۶)، تدثیر ایدئولوژی‌ها بر قبض و بسط حقوق کیفری، فصلنامه علمی تحقیقات حقوقی تطبیقی آزاد، دوره ۱۰، شماره ۳۷.
- شاملو، باقر (۱۳۹۹)، بازخوانی سیاست جنایی پیشگیرانه در پرتو پاندمی کووید ۱۹ و تئوری آشوب، فصلنامه تحقیقات حقوقی، ویژه‌نامه حقوق و کرونا.
- شفیعی سیف‌آبادی، محسن و همکاران (۱۳۹۹)، فهم واقعیات و پیامدهای اجتماعی بحران کووید-۱۹ بر مبنای نظریه سیستم‌های اجتماعی نیکلاس لومان، فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی، شماره ۴۶.
- صفاری، علی؛ صابری، راضیه؛ لکی، زینب؛ رضایی، عباس (۱۴۰۰)، تاثیر شیوع بیماری کووید-۱۹ و فاصله‌گذاری اجتماعی بر نرخ جرایم (مطالعه موردی: استان تهران)، فصلنامه پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی، دوره ۹، شماره ۱۷.
- صفرآهنگ، رسول (۱۳۹۹)، نقد فرانظری مبانی هستی‌شناختی حکمرانی دولت‌ها در سیاست‌گذاری سلامت برای کنترل همه‌گیری کووید-۱۹ (مطالعه موردی ایران)، پژوهشنامه علوم سیاسی، شماره ۵۸.
- عباسی، محمود؛ فلاح، محمدرضا؛ کلهرنیا گلکار، میثم (۱۳۹۹)، پاندمی کرونا؛ از ملاحظات حقوق بشری تا الزامات شهروندی، فصلنامه حقوق پزشکی، دوره ۱۴، شماره ۵۵.
- علیپور، ابراهیم؛ قرباین قمی، اکرم (۱۳۹۹)، خیزش تفکر الهیاتی-فلسفی در بحران کرونا (مروری بر معناداری زندگی، مرگ‌اندیشی و معنویت‌گرایی)، فصلنامه قیاسات، شماره ۹۶.
- کوشا، سهیلا؛ آریامنش، اعظم؛ دانشجو، سمیه (۱۴۰۰)، تعهدات دولت‌ها و حق بر سلامت و امنیت اجتماعی از منظر حقوق بین‌الملل، با تأکید بر ویروس کووید-۱۹، فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، دوره ۱۲، شماره ۶۵.
- محمد، نبیه (۲۰۲۰)، فیروس کورونا بین ضرورتی اتخاذ تدابیر الإحتواء والإلتزام بالمعاییر الدولیة، مجله الباحث، العدد ۱۷.
- مصفا، نسرين (۱۳۹۹)، کووید-۱۹ و نیروهای حافظ صلح ملل متحد: چالش‌های جدید، محدودیت‌های قدیمی؛ فصلنامه سازمان‌های بین‌المللی، شماره ۱۱.
- نوذری، حسینعلی (۱۳۸۶)، بازخوانی هابرماس، نشر چشمه، تهران.
- نیازپور، امیرحسن (۱۳۹۹)، هنجارهای حقوقی/فقهی کرونایی؛ مبانی مشروعیت هنجارها و خاستگاه قانونی هنجارسازان، فصلنامه تحقیقات حقوقی، ویژه‌نامه حقوق و کرونا.

هولاب، رابرت (۱۳۸۸)، یورگن هابرماس: نقد در حوزه عمومی، ترجمه حسین بشیریه، چاپ پنجم، نشر نی، تهران.

- Abrams, David S., COVID and Crime: An Early Empirical Look (August 28, 2020). U of Penn, Inst for Law & Econ Research Paper No. 20-49, Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=3674032> or <http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.3674032>.
- Bradbury-Jones, C., & Isham, L. (2020). The Pandemic Paradox: The Consequences of COVID-19 on Domestic Violence. *Journal of Clinical Nursing*, Vol. 29, 2047–2049.
- Khaghani Esfahani, Mahdi (2020). Criminal Law in Protection of Bioethics, Against The Negligent Outbreak of COVID-19, 4th International Conference on Biomedicine, Shahid Beheshti University of Medical Sciences & UNESCO, Tehran, Iran.
- Lum, C., and et al, (2020). The impact of COVID-19 on law enforcement agencies, International Association of Chiefs of Police and the Center for Evidence-Based Crime Policy, George Mason University. Washington, D.C.
- Mangiarotti, S., and Others, Chaos theory applied to the outbreak of COVID19: an ancillary approach to decision making in pandemic context, Cambridge University Press Public Health Emergency Collection, Published online 2020 May 8. doi: 10.1017/S0950268820000990 .